تبهکاری در روز روشن برای یک مُشت اسکناس

عاملان سرقت‌های تیزدستانه در آخرین اقدام مجرمانه خودشان در مشهد به دام افتادند

مهدی قرآنی
m.ghorani@shahraranews.ir

جیغ‌های بنفش دختر جوان همسایگان را به خیابان کشاند. او روی زمین افتاده بود و در حالی که از مردم کمک می‌خواست بند کیفش را محکم گرفته بود. در مقابل مردی ناشناس که چاقویی بزرگ در دست داشت کیف دخترک را گرفته و با تهدید و فحاشی از او می‌خواست آن را رها کند. همسایگان بلافاصله وارد این ماجرا شدند و مرد خشن به ناچار کیف دخترک را رها کرده و از محل گریخت. مرد چاقوبه‌دست خود را داخل یک پراید انداخت و چاقویش را مقابل راننده این خودرو گرفت و او را تهدید کرد. در این لحظه راننده پراید فورا خودرواش را خاموش کرد و از آن خارج شد.

دزد بخت برگشته به انتهای خط رسیده بود و قبل از اینکه بخواهد نقشه فرارش را عملی کند، مأموران کلانتری فیاض‌بخش سر رسیده و راهش را سد کردند. مرد جوان ابتدا قصد داشت تا در برابر مأموران مقاومت کند اما همکاری مردم و نیز عزم جدی پلیس مانع از هر اقدام مجرمانه این سارق خشن شد و سرانجام این فرد به چنگ مجریان قانون افتاد. این سارق خشن که اعتیاد به مواد مخدر در چهره‌اش مشهود بود، بلافاصله به کلانتری شهید فیاض‌بخش مشهد منتقل شد و در برابر افسر تجسس این مجموعه انتظامی قرار گرفت.

متهم به دام افتاده که جوانی سی‌وچهار ساله است و چندین سابقه کیفری در کارنامه مجرمانه خود دارد در اظهاراتش به مأموران پلیس گفت: «اهل یکی از شهرستان‌های غربی کشور هستم. از چند ماه قبل به مشهد آمدم و برای تأمین هزینه مواد و نیز خورد و خوراک دست به زورگیری‌های خیابانی زدم. قبل از اینکه به دام پلیس بیفتم قصد داشتم کیف دختری جوان را سرقت کنم که سر و صدای او موجب شد تا پای همسایگان به خیابان کشیده شود و من هم که توان مقابله با آن‌ها را نداشتم، فرار کردم. جلوی یک خودرو پراید را گرفتم و با تهدید راننده با چاقویی که در دست داشتم از او خواستم تا مرا فراری دهد که راننده پراید خودرواش را خاموش کرد و از آن خارج شد. تا به خودم بیایم پلیس سر رسید و دستگیرم کرد.»

عکس: میزان

انهدام باند سرقت‌های تیزدستانه

روز گذشته، فرمانده انتظامی مشهد درباره این پرونده گفت: متهم پس از تکمیل تحقیقات اولیه برای کشف دیگر جرائم احتمالی در اختیار مقام قضایی قرار گرفت. دختر جوانی هم که هدف سرقت خشن از سوی متهم دستگیر شده قرار گرفته بود به کلانتری ۱۸ شهید فیاض‌بخش مراجعه و شکایت خود را علیه این مجرم سی‌وچهار ساله تنظیم کرد.

سرهنگ عباس صارمی ساداتی در ادامه به انهدام یک باند سرقت‌های تیزدستانه در منطقه توس مشهد نیز اشاره کرد و گفت: این عملیات از سوی مأموران دایره تجسس کلانتری کاظم‌آباد اجرا شد و به نتیجه رسید. در این مأموریت مأموران کلانتری کاظم‌آباد موفق به شناسایی و دستگیری ۴ سارق و مال‌خر اموال مسروقه و کشف تعدادی گوشی تلفن همراه مسروقه و مقادیری مواد مخدر از آن‌ها شدند.

این مقام ارشد انتظامی مشهد ادامه داد: این پرونده با اعلام گزارش چند فقره گوشی‌قاپی در محدوده بولوار توس مورد بررسی مأموران کلانتری کاظم‌آباد قرار گرفت. ضابطان قضایی ما در این مأموریت با بررسی اظهارات چند مال‌باخته دریافتند سارقان از غفلت مال‌باختگان در خیابان سوءاستفاده کرده و گوشی تلفن همراه آن‌ها را قاپیده و متواری شده‌اند. مجریان قانون با انجام بررسی‌های میدانی و استخراج تصاویر چند دوربین مداربسته یکی از سارقان را شناسایی کردند و به صورت نامحسوس تحت نظر گرفتند.

سرهنگ صارمی بیان کرد: تیم رسیدگی کننده پرونده پس از شناسایی مخفیگاه متهم در خیابان گلریز و به دست آوردن ادله و مستندات کافی با هماهنگی قضائی وارد عمل شدند و ضمن دستگیری متهم و همدستش در بازرسی از محل ۷ دستگاه تلفن همراه هوشمند مسروقه را کشف و ضبط کردند. متهمان بیست‌وپنج و چهل‌ودو ساله پس از انتقال به کلانتری در رویارویی با مستندات پرونده به ۸ فقره سرقت تلفن‌های همراه با همدستی فردی سی‌وهفت ساله اعتراف کردند.

رئیس پلیس مشهد به شناسایی دیگر متهم این پرونده نیز اشاره کرد و گفت: در ادامه این عملیات این مرد جوان در مخفیگاهش دستگیر شد و مقدار ۱۴۷ گرم مواد مخدر صنعتی بسته‌بندی شده به همراه تعداد زیادی پَک پلاستیکی، ۳ دستگاه ترازوی دیجیتالی، یک دستگاه جوش لیزری، ۸ عدد لوله فاضلاب طرح اگو به همراه تعداد زیادی لوازم بنایی سرقتی در بازرسی از محل کشف شد.

به گفته سرهنگ صارمی یک دستگاه خودرو سواری پراید متعلق به اعضای این باند سرقت توقیف و در این باره یک مال‌خر اموال مسروقه نیز دستگیر شد و به همراه دیگر متهمان پس از تشکیل پرونده روانه دادسرا شدند.

۲ کشته در ۲ حادثه شهری

در روزهای گذشته، ۲ مرد میان‌سال در مشهد جان باختند

محمد جواد ابوعطا
m.abouata@shahraranews.ir

شهرهای بزرگ با حوادث متنوعی روبه‌رو هستند، توسعه و رشد شهری، افزایش سفرهای درون شهری و... از شاخصه‌هایی هستند که به رشد حوادث منجر می‌شوند، حوادثی که در روزهای گذشته جان ۲ شهروند را در مشهد گرفت.

مرگ در کوره‌های آجرپزی

نخستین حادثه با اعلام یک مورد محبوسی شهروند درون اتاق سرایداری به سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی مشهد گزارش شد.

امدادگران ایستگاه چهل‌ونهم این سازمان برای نجات جان این شهروند به محل حادثه واقع در جاده میامی اعزام شدند.

تحقیقات اولیه نشان می‌داد که سرایدار یک کوره آجرپزی در شرق مشهد، درون اتاقک سرایداری محبوس شده است. امدادگران پس از باز کردن در این اتاقک، متوجه شدند که فرد گرفتار جان خود را از دست داده است.

بررسی‌های امدادگران آتش‌نشانی درباره علت مرگ نگهبان نشان داد که این فرد برای فرار از سرمای روزهای گذشته اقدام به استفاده از اجاق خوراک‌پزی کرده و بدون توجه به اصول ایمنی، تمام راه‌های ورود و خروج هوا را نیز مسدود کرده است. همین موضوع موجب تجمع گاز سمی منوکسیدکربن شده است.

با مشخص شدن مسمومیت این فرد، اقدامات اولیه با انتقال فرد به سردخانه انجام شد.

واژگونی مرگ‌بار تانکر روغن سوخته

در حادثه بعدی که عصر پنجشنبه در جاده مشهد به فریمان رخ داد، یک تانکر حمل روغن سوخته به دلایل نامعلومی واژگون شد.

با نشت روغن‌های سوخته به سطح جاده که احتمال وقوع حوادث بعدی را در پی داشت، موضوع به آتش‌نشانی مشهد گزارش شد.

حساسیت حادثه موجب شد ستاد فرماندهی آتش‌نشانی مشهد، آتش‌نشانان ایستگاه‌های نهم و سی‌ونهم را به محل در حوالی آرامگاه خواجه مراد اعزام کند.

آتش‌نشانان بلافاصله با مهار نشت سوخت از مخزن این تانکر، روغن‌های سوخته را به حاشیه جاده هدایت کردند و جلوی وقوع حوادث دیگر را گرفتند.

در ادامه مشخص شد که راننده تانکر در این حادثه جان باخته است. سپس تانکر با استفاده از جرثقیل به حالت اولیه برگردانده شد.

کاهش مأموریت‌های آتش‌نشانی

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی مشهد با اشاره به امدادرسانی در این حوادث اعلام کرد: در یک هفته گذشته بیش از یازده هزار تماس با آتش‌نشانی مشهد صورت گرفت که شش هزار تماس آن مزاحمت و در این میان به ۲۰۳ حادثه رسیدگی شد.

رضا حیدری ادامه داد: بررسی‌ها نشان داد که در این هفته میزان حوادث به نسبت هفته‌های گذشته کاهش داشته است.

جدول شماره: ۳۰۹۲

طراح: محمدرضا علیزاده

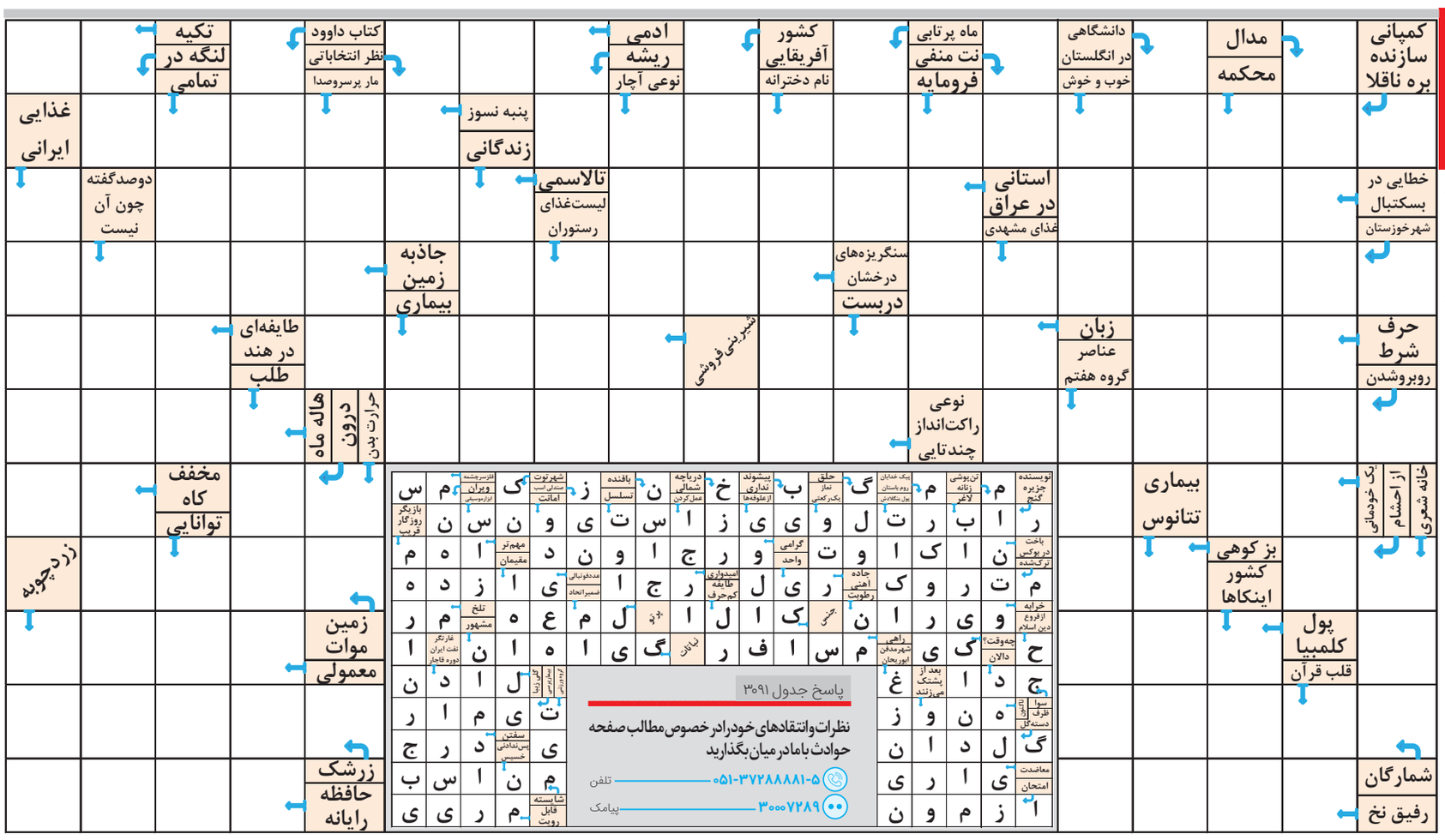

پاسخ جدول ۳۰۹۱

نظرات و انتقادهای خود را در خصوص مطالب صفحه حوادث با ما در میان بگذارید

۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ تلفن

۳۰۰۰۷۲۸۹ پیامک

خبر کوتاه

رسیده بود بلایی، به خیر گذشت اما...

حادثه جاده ای برای کارکنان ایران خودروی خراسان

صبح دیروز سرویس کارکنان شرکت ایران خودرو دچار حادثه شد. به گزارش روابط عمومی شرکت ایران خودرو خراسان، این حادثه ساعت ۸ صبح دیروز زمانی رخ داد که تعدادی از کارکنان این شرکت در حال حرکت به مقصد نیشابور بودند. برف، مه غلیظ و لغزندگی جاده، موجب وقوع حادثه برای یک تریلی می شود و همین حادثه منجر به انحراف اتوبوس حامل کارکنان شرکت ایران خودرو می شود که یک اتوبوس نیز از پشت با این خودرو برخورد می کند. این حادثه هیچ مصدومی نداشت.

اخبار جهان

حادثه سقوط بالابر در مکه بلای آسمانی بود!

عربستان- ایسنا/ دادگاه کیفری مکه ۱۳ متهم در پرونده سقوط جرثقیل در سال ۲۰۱۵ را تبرئه کرد. حکم دادگاه به شرایط جوی در روز حادثه و قبل از آن استناد دارد که سازمان هواشناسی سرعت باد در دریای سرخ را تنها حدود (۱ - ۳۸) کیلومتر در ساعت اعلام کرده و توصیف وضعیت طوفانی و فاجعه یا هشدار را در بر نگرفته است. این دادگاه، حادثه تراژدی را این گونه توجیه کرد که آنچه در مکه مکرمه طی آن روز رخ داد، می‌توان به بلایای آسمانی نسبت داد که احتیاط در برابر آن دشوار است و از نظر فقها تعهد در قبال آن ساقط و بنابراین مسئولیت منتفی است. در این حادثه ۱۱۱ نفر از جمله تعدادی از حجاج ایرانی کشته و زخمی شدند.

زن بوکسور شوهرش را با مشت کشت

برزیل- باشگاه خبرنگاران/ زن سی‌وچهار ساله برزیلی با ضربات مشت و لگد شوهرش را به قتل رساند. گزارش پلیس حاکی از آن است که متهم تاکنون ۳ بار کاندیدای قهرمانی بوکس زنان شده پس از درگیری با همسر شصت‌ویک ساله اش او را به طرز فجیعی مورد ضرب و شتم قرار داد و او را به قتل رساند. سخنگوی پلیس درباره این قتل گفت که قربانی پس از انتقال به بیمارستان بر اثر جراحات وارده و ضرب و شتم جان باخت و همسر بوکسورش به ظن قتل وی بازداشت شد و به زندان منتقل شد.

داستان جنایی

رد خون

(قسمت آخر)

ایلیا موسایی

دختر از پشت شیشه ماشین پسر جوان را نگاه می کرد که از درد یک‌وری خم شده بود روی خاک. خونابه از دهانش روی زمین کش می‌آمد. جاده چنان خلوت بود که انگار همین چند آدم توی دنیا تنها بودند. نور زردی روی آن‌ها می‌پاشید و کم کم سمت یک بیابان تاریک و خالی محو می‌شد.

محسن زیر بازوی پسر را گرفت و گفت: «سریع... توی ون» اکبر یکهو دید، قاسم سمت ماشین را نگاه می کند. وقتی برگشت، دید دختر با گوشی موبایل دارد فیلم می گیرد. محسن سر اکبر داد زد: «حواست کجاست» جوان را کشاندند توی ون. وقتی دستبند پسر را به میله افقی ون می‌زدند صدای جیغ‌های مدام دختر را شنیدند. اکبر یک‌لحظه پرده پارچه‌ای را کنار زد و دید که درَ سوناتای سفید، باز مانده و دختر نقش زمین است. قاسم با چیزی زد توی سر دختر. محسن گفت: «هی» اکبر دست‌وبال خودش را جمع کرد و پرده را انداخت. پسرک روی کف ماشین دوزانو نشسته بود و دوتا دستش یک‌وری توی حلقه‌های دستبند بود. ناله نامفهومی کرد. خون از دماغ و دهانش خط کشیده بود روی چانه و مثل شیره روی پوستش ماسیده بود. درَ کشویی ون یکهو خرت صدا داد و قاسم گردن دخترک را داخل ماشین خم کرد. گفت: «ماشین ضبط میشه و دوتاتون می‌رین بازداشتگاه» دختر سرش را که بالا کرد، اکبر دید که یکی از چشم‌هایش را بسته و کبودی هاله‌مانندی زیر پوستش زق‌زق می کند. بعد همانجا ولو شد روی کف ماشین. قاسم به اکبر نگاه کرد: «بذار یه کم همین جوری بمونه. بعد مثل پسره دستبند بزن بهش» پسرک نالید: «تورو خدا...» قاسم همانجا ایستاده بود و با چشم‌های ریز و وحشی نگاهش می کرد. گفت: «تورو خدا چی؟... می خوای از این دردسر نجاتت بدم؟ چند گرم هروئین تو ماشینت پیدا کرده ام، این دختره هم معلوم نیست چه نسبتی باهات داره... چی فکر کردی؟ مملکت شهر هرته؟» پسر مویه کرد: «به خدا مال من نیست...» قاسم گفت: «حالا بذار یه کم حالت جا بیاد» سمت محسن نگاهی انداخت و گفت: «سرکار!» محسن همان‌طور که روی یکی از صندلی‌ها لم داده بود و تماشا می کرد، سوئیچ سوناتا را انداخت سمت قاسم. قاسم چشم‌غره‌ای رفت و بعد، لگد محکمی به پای دختر زد تا مانع از بستن در نشود. در را محکم کشید و از پشت شیشه‌ها دیدند که رفت و توی ماشین سفید نشست. محسن یک آدامس باز کرد و انداخت توی دهانش. با ملچ ملوچ به پسره گفت: «اوهوی... این جناب سروان خیلی آدم خوبیه. یُبس نباشی، باهات راه میاد» پسرک سرش را انداخته بود پایین. آرام گفت: «شماها مأمور نیستین...» دختر نیمه‌جان از جایش بلند شد. در را کشید و خودش را انداخت بیرون. اکبر یکهو از جا جهید که خودش را برساند به او، انتهای ون دخترک را گیر انداخت. ناله‌های دختر چیزی بین هوف کشیدن خشماگین و گریه بود که باهم قاتی می‌شدند و تبدیل می‌شدند به آن صدای عجیب. یکی از پرده‌های ون کنار رفت و اکبر دید که محسن با خنده نگاهشان می کند. یک‌باره دختر دست اکبر را گاز گرفت و خودش را از او جدا کرد. تا دخترک بخواهد خیز بردارد اکبر ناخودآگاه سرنیزه را از کمربندش بیرون کشید و زد توی شانه دختر. اول هیچ عکس‌العملی نشان نداد و همان جا ایستاد. بعد یکهو خون از شکاف زخم فواره زد و همان جا افتاد. اکبر از پشت ون چند قدم عقب رفت. محسن تندوتند شروع کرد روی شیشه زدن. اکبر دید که محسن آن سمتِ دیگر را نگاه می کند و در یک آن جثه لاغرَ اکبر کشیده شد زیر سوناتای سفید. قاسم دنده عقب گرفته بود که سوناتا را از حاشیه جاده دور کند. وقتی پیاده شد که ببیند ماشین از روی چه‌چیزی رد شده، محسن با داد و هوار پیاده شد و مدام داد می‌زد: «کِشتیش» بدن اکبر زیر چرخ مچاله شده بود. قاسم ساکت بود. دیدند که اکبر با چشم‌های باز گردنش را تا انتها عقب داده و انگار تماشایشان می کند. تا سوناتا را از روی بدن اکبر بکشند کنار، دیدند یک ماشین پلیس توی جاده توقف کرده و نگاهشان می کند.

پایان

جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران:

با وقوع حادثه حریق در یک باغ شخصی در تهران ۶ مرد جان خود را از دست دادند